

پاسخی برای رفع ابهام

امیر فیض حقوقدان

ایرانیارگرمی آقای پرویز حدادی زاده، در رابطه با تحریر بی تفاوتی (در نقد بیانات اعلیحضرت) ^۱ پرسشهایی باواسطه جاوید ایران مطرح کرده اند که برای رفع ابهام، تحریر حاضر به عرض توضیحات لازم مفتخر میگردد. ^۲

ابهام اول

همراه با تاسف، ایشان التفات لازم رابه عبارتی که مستند ابهام ایشان قرار گرفته مرعی نداشته اند، مصدع میشود.

در تحریر مورد بحث، نگرانی محدود و مشخص به آینده اعلیحضرت و سلطنت شده. نگرانی که همان اضطراب است اگر محدود به مورد و منشاء روشنی نباشد نوعی بیماری است.

هر انسانی نگرانی های متعددی دارد از نگرانی سلامتی و یا کار و سرمایه گذاری و یا آینده خانواده خود و یا آینده عزیزانش و از جمله میهنش، ولی هریک بمناسبتی در مقام بازگویی و چاره اندیشی قرار دارد.

مقصود این است که اگر کسی نگرانی خودش را از کار و کاسبی بمناسبتی اعلام کرد دلیل نمیشود که نگرانی از آینده بستگانش را نداشته و یا به هیچ گرفته است؛ یعنی منصفانه نیست که گفته شود <طرف از خلوص نیت خارج شده است>، منصفانه نیست گفته شود: <نگرانی ایشان فقط حفظ سلطنت است>.

انسان وقتی به طبیب مراجعه میکند بمناسبت موقعیت خاص، فقط نگرانی از سلامتی خود را مطرح میکند نه نگرانی های دیگر.

خیر، نگرانی این ارادتمند مانند حضرتعالی و همه ایرانیان بسیار متنوع است ولی در رابطه با تحریری که تنظیم و تقدیم شد موقعیت، طرح یکی از آنها را که نگرانی از آینده اعلیحضرت و سلطنت ایشان بود، مجاز گردانید.

ابهام دیگر

سوال فرموده اید که <مگرایران یعنی سلطنت و پادشاه؟>

در مفهوم کلی، ایران به معنای سلطنت و پادشاه نیست و به معنای یک واحد جغرافیایی با مشخصات تعریف شده است؛ اما **هویت همین سرزمین، شاهنشاهی است** یعنی از زمانی که ایران بوجود آمده هویت آن شاهنشاهی بوده است و اگر ملتی برای آن سرزمین (ایران) قائل بشویم، هویت آن ملت ساخته شده از فرهنگ

^۱ <http://1400years.org/AmirFeyz/BiTafavotyDarBayanateRP-Ofogh-AmirFeyz-22Jan2015.pdf>

^۲ <http://1400years.org/AmirFeyz/BiTafavotyDarBayanateRP-Ofogh2-AmirFeyz-23Jan2015.pdf>

۲ - پرسش ها و پاسخ های جاوید ایران برای تکمیل این فایل و ثبت در تاریخ به آخر این نوشته اضافه شده است. ح-ک

وهویت شاهنشاهی است. این واقعیت نظر بنده ست محققین درسیاست نامه از اوائل اسلام در ایران نوشته اند: (سیاست نامه یعنی نظرات سیاستمداران وقت ودرتطبیق مانند اظهارنظرهای سیاسی وحقوقی امروزی- شریعت نامه هم که بموازات سیاست نامه منتشرمیشده درتطبیق همانند همان مقالات وکتبب مذهبی است که منتشرشده ومیشود).

اینکه محققین وایرانشناسان نوشته اند که ایران از شاه جدانیست؛ مقصودشان همان هویت شاهنشاهی ایران است که ایران شاهنشاهی خوانده میشود.

سوال دیگری که مطرح شده این است: <مگرمیتوان بدون کشورسلطنت وپادشاه داشت> بار ابهام در سوال مطروحه، سنگین وقابل درک نیست. نمیتوان دریافت که مقصود از «کشور»، همان «ایران» است ویا بطورکلی هر کشوری. و آیا مقصود، وضع فعلی ایران است که ایران وهویت سیاسی آن غصب جمهوری اسلامی است؟ بنابراین پاسخ، درهامش درک اجمالی است.

کشوریک واحد جغرافیائی است که درحقوق بین الملل بعنوان «کشور» برسیمت شناخته شده است. بنابراین کشورهیچ ارتباطی به شاه وسلطنت ندارد. سلطنت ازحقوق سیاسی داخلی است وکشورهای ممکن است سلطنتی باشند ویا نباشد ولی مسئله مزبوردرتاریخ وفرهنگ ما ایرانیان امری ذاتی حل شده وبصورت قوانین ارکانیکی در آمده واین قانون طبیعی ازهمان زمان که سرزمینی بنام ایران ملتی را درخود جای داده تاشورش غاصبان ایران ۱۳۵۷ جریان مداوم ومستحکم داشته است.

ابهام دیگر

ابهام دیگرایشان متوجه سوال زیراست:

<اگرایرانیان بخواهند که سلطنت وپادشاه نداشته باشند آینده شان جزسیاهی وتباهی چیز دیگری نیست؟>

بنده پیشگو نیستم که آینده ملت ایران را بازگو کنم؛ ولی میبینم پس از آنکه ایران ازپادشاهی تهی شده روشنی های ایران به سیاهی ودستآورد های ایران به تباهی مبدل شده است. شادی ازایران رخت بست وبقول یک محقق خارجی <ایرانیان فراموش کرده اند که میتوان خندید>

که این خانه ازپادشاهی تهی است نه هنگام پیروزی وفرحی است

(فردوسی)

موضوع مهم درسوال مطروحه (عدم خواست ایرانیان به سلطنت وپادشاهی است)

مفهوم سوال مزبور متوجه جایگزینی رژیم جمهوری بجای سلطنت مشروطه است.

چرا ایرانیان نمیتوانند ازاستقلال کشورخود صرفنظرکرده وبارای مردم، مستعمره کشوردیگری بشوند؟

زیرا استقلال ایران ازحقوق طبیعی وفطری ملت است یعنی همان وزن واعتبارحقوقی وملی را دارد که سلطنت دارد.

جمهوری با تاریخ، فرهنگ، منش و سنت ایرانی، دین ایرانی، دین تحمیلی اسلام و قانون اساسی مشروطه و نظریه شرعی مراجع تقلید قبل از شورش ۵۷ مخالف است بنابراین فاقد مشروعیت ملی و حتی شرعی است.

ابهام دیگر

ابهام دیگر ایشان این است که «ملی گرایان چگونه دیگری می اندیشند»

مجاهدین هم به گونه دیگری می اندیشند ولی اندیشه ای که از نص و حکمت و سنت و فرهنگ ملی پشتیبانی نشود، اندیشه نیست نظر است.

برای استحضار بیشتر این توجه بجاست که فلسفه ملی گرانی منسجم و پیوسته به سلطنت و پادشاهی است. حتی فلسفه سوسیالیزم و فلسفه تشیع نیز مخالف سلطنت نیست. نمیدانم ملی گراهای مورد نظر سوال کننده از کدام قماش سیاسی هستند.

خبر خوش

در پایان نوشته اند:

ملی گرایان هر روز امید وارتر میشوند، هر روز برنامه ریزی میکنند!!، هر روز به خود و هدف براندازی باورمند تر میشوند و هر روز قدرت مبارزاتی خودشان را درسنگر «نهضت همبستگی برای نجات ایران» (بیسابقه ام نسبت به چنین نهضتی) مستحکمتر میکنند^۳

خبرخوشی است با آرزوی موفقیت برای آنان ولی این توصیه را به پذیرید که بدون پشتیبانی از سلطنت، بر شما همان خواهد رفت که بر دیگران در سی و چند ساله گذشته رفته است. تاریخ و فرهنگ ایران نشان میدهد که هر کس خواسته بر اشغالگران کشور ایران پیروز بشود، با نام شاه وارد میدان شده است.

با احترام

مطالب برگ های زیرین تبادل ایمیل ها است و آقای حدادی زاده به ایمیل آخری که در بالا قرار دارد پاسخی نداده اند. یاد آور می شود تا کنون ده نفر پاسخ های داده شده را ستوده و تلفنی ابراز همفکری کرده اند. دیگران بطور معمول تنها خواننده اند و پذیرنده ولی جرات ابراز ندارند. ح-ک

آقای حدادی زاده

بادرودی دیگر،

برخی بخش های نوشته شما درست است ولی شما (شما مردم) در جایگاهی که «رضا پهلوی» دارد که هرگز سوگند به تداوم سلطنت را پس نگرفته است و هرگز آنرا کنار نزده است (راه رسمی) نمی توانید کس

^۳ - درخواست شده است آقای حدادی زاده بطور کامل گشایش و آغاز بکار نهضت یاد شده و محل گشایش و دیگر آگاهی هارا بدهند. که شاید پیوست این سند تاریخی بشود. ح-ک

دیگری را در جلو صف یا در بالای این هرم بصورت «سر» قرار بدهید مگر آنکه کسی از درون ایران کودتا بکند و این کودتا هم یابایستی کودتای آخوندی باشد که در حال انجام است و روحانی با کودتای خزنده ای در حال پیشروی است و دولت های آینده همین آخوند های از نوع عراقچی و جواد ظریف و روحانی خواهند بود و اگر لازم باشد خاتمی و رفسنجانی روحانی کراوات هم خواهند زد.

یا کسی مانند نادرشاه یا رضا شاه بزرگ قد علم کند وگرنه چاره دیگری نیست.

من در گذشته ده سال پیش نوشته ام: ((خلاصه ای است از نوشته ای بلند از مه ۲۰۰۵ و امروز هنوز تلویزیون افق ایران وجود نداشت.))

اعلیحضرت گرامی،

شما نه تنها در آن هنگام که بهترین موقعیت برای کوبیدن میخ آخر به تابوت جمهوری اسلامی بود به این استدعا توجهی ننمودید بلکه اخیرا با طرفداری از طرح رفراندوم سازگارا بسیاری از دوستاران خود را بشدت رنجاندید. همه گروه ها از چپ افراطی و جبهه ملی، جمهوریخواه و طرفداران پادشاهی پارلمانی همه میدانند که شخص دیگری که به اندازه شما وجه ملی داشته باشد موجود نیست. شما می توانید با یک پیام هفتاد میلیون ایرانی را امیدوار و همه این گروه ها را بهم متصل کنید. بی دلیل نیست که همه کمونیست ها و کنفدراسیونی های گذشته بدور شما جمع شده اند. شاید بعضی از این افراد واقعا پشیمان و نادم هستند ولی اگر ما تاریخ خود را خوب و با دقت خوانده باشیم و درک درستی از آن داشته باشیم دیده ایم که چگونه با دسیسه به قلب «ملت» زده اند. در زمان شادروان پدر تاجدار شما کسانی که ظاهرا از کمونیسم و کنفدراسیون برگشته بودند به ایشان خیانت کردند. نه آنانی که به نظام شاهنشاهی وفادار بودند.

....

اگر میخواهید بدانید چرا رژیم هنوز با این همه دشمن بر سر کار است، به اطراف خود نگاه کنید. به آنانی که دم از آزادی میزنند ولی شما را در وضعیت موجود (Status quo) میخواهند، زیرا نگرانند که در صورت نجات ایران موقعیت فعلی آنان آشفته شود. گرچه اینان دم از دموکراسی و آزادی می زنند ولی منافع اقتصادیشان بر همه چیز ارجحیت دار؛ به آنان بنگرید که منافع آنها از نظر اقتصادی به بقای آخوند ها وابسته است، به آنانی نگاه کنید که در بین شما دشمن آخوند هستند و در خلوت آن کار دیگر کرده و با آخوند از یک کیسه «ملت» لف لف میخورند.

....

آقایانی که دانسته و ندانسته آب در آسیاب انگلیس و آمریکا و اروپای گردن کلفت میریزند از خود از خودتان سؤال کنید چه نفعی شامل حال شما می شود؟ چرا آمریکا امروز، بیاید، با جمهوری اسلامی رابطه برقرار کند؟ آیا این به منزله دادن قرب و منزلت و مشروعیت به این رژیم نیست؟ ۲۶ سال است آمریکا (ظاهرا) جمهوری اسلامی را به رسمیت نمیشناسد و این بلاها بر سر ما آمده اگر به آن مشروعیت بدهد که حساب شما با کرم الکاتبین است (!!)

آقایانی که با افتتاح تلویزیون جدید پیوند خود با آمریکا را «مبارک» جلوه می دهید این سگ زرد برادر همان شغال است.

چرا بعضی از مردمان بجای خدمت به مردم و ملت همیشه خواسته اند از روحیه عمل و اکره که آخوند ها مجری آن هستند پیروی کنند؟

.....

اعلیحضرت گرامی،

شما برای رسیدن به مقامی که پدر تاجدارتان برای شما آرزو کرده و همچنین در قسم شما بر مزار ایشان در قاهره آمده است نیاز به یک خانه تکانی دارید. **مشاورین آگاه و فرهیخته مردان بزرگ بوجود آورده اند.**

افراد صادق، مومن، میهن پرست و وفادار دیگری نیز در قید حیات هستند که آماده همیاری میباشند و کافی است دعوت به همکاری بصورت ضمنی هم شده صورت گیرد. بعضی از کسانی که مانند کرکس کمین نشسته اند تا با رسیدن به پست و مقامی در ایران نفت و منابع ما را خصوصی کنند از هم اکنون ایادی خویش را در اینجا و آنجا گمارده اند، اینها نه شما را به مقصد می رساند و نه نجات ایران را سرلوحه خود قرار داده اند. اینها ایادی امپریالیسم غرب میباشند که مانند حسین فردوست ها در پشت اتاق خواب شما کمین نشسته اند و از هم اکنون مشغول کننن چاله هستند و مثل قره باغی مشغول چانه زنی با امثال هایزر هستند! همین ها هستند که همه اش با دست به دست کردن و تاخیر انداختن آب به آسیاب ملایان میریزند. شما از خودتان بپرسید چرا به مقصد نمی رسیم!

هر کاری دارید زمین بگذارید و آن پیام سنتی «شاه مرد، زنده باد شاه»! را بصدا آورید. بدون مامور و کارکنان کار کشته این قطار به مقصد نخواهد رسید.

بیداری همگان را در این صبح هوشیاری آرزومندم.

خود شکن آینه شکستن خطاست
که گوید بدان چاه در راه توست
هنر داند از جاهلی عیب خویش
هر آنچ از تو آید بچشمش نکوست
که داروی تلخش بود سودمند
شفا بایدت داروی تلخ نوش

آینه چون نقش تو بنمود راست
به نزد من آنکس نکوخواه توست
هر آنکس که عیبش نگویند پیش
ز دشمن شنو سیرت خود که دوست
وبال است دادن به رنجور قند
چه خوش گفت آن مرد دارو فروش

ح-ک

مه ۱۶ و ۲۰۰۵

From: Parviz Haddadizadeh]

Sent: 24 January, 2015 7:07 PM

To: 'Javidiran (PeymanMeli)'

Subject: RE: Bi tafavoty dar Bayanate Aalahazrat (2)

سرور گرامی،

اگر بگویم بخاطر "نجات ایران و ایرانی" با شما و استاد موافق، ولی هنوز بی "سر" باشیم، آنوقت چه بکنیم؟! آیا شما منتظر خواهید شد تا مردمی که به استاد همین مقاله، عملکرد "علیحضرت" باعث بی تفاوتی شده است، در خیابان های ایران و دنیا شعار جاوید شاه سر دهند؟! همچنین به گفته استاد امیر فیض، "چگونه می خواهید پیازی را از دست یک بچه بیرون آورید، وقتیکه سیبی ندارید به او نشان بدهید"؟

سرور گرامی، جاوید عزیزم تا کی شما منتظر خواهید ماند؟! تا کی چشم به این درب بلاک شده دوخته اید؟ تا کی؟ آیا زمان آن رسیده است که این همه بی حرمتی و بی احترامی به وطندوستانی که زندگی خودشان را برای معرفت "سلطنت" گذاشته اند، جواب و پیغامی بسیار جدید به این "علیحضرت" فرستاد که از این خواب خرگوشی بیرون آیند و مسئولیت خودشانرا جدید بگیرند؟

فکر نمی کنم ایشان قابلیت این کار را داشته باشند که به شما و هیچ ایرانی دیگری جوابگو باشند و مردم بیش از این صبر و بی کار نخواهند نشست. همچنین، اگر مبارزان ملی گرا موفق شوند که در راستا رسیدن به آزادی کشورشان موفقیت هایی کسب کنند، حتماً بدانید که اجازه نخواهند که دست هایی "علیحضرت" را سوار این موج کنند زیرا این کار آنها خارج از خلوص نیت و باعث ضربه زدن به حرکت آزادیخواهی مردم خواهد شد و خیانت به ایران و ایرانی.

با مهر

پ. حدادی زاده

From: Javidiran (PeymanMeli)

Sent: Saturday, January 24, 2015 6:48 AM

To: 'Parviz Haddadzadeh'

Subject: RE: Bi tafavoty dar Bayanate Aalahazrat (2)

آقای حدادی زاده؛

امیدوارم بادقت بخوانید دقیق بخوانید رنگی نکرده ام خودتا مطلب را جذب و هضم کنید.

از ایمیل شما در رابطه با نوشته استاد امیرفیض سپاسگزارم. البته من به اندازه سواد خود پاسخ کوتاهی به شما خواهم داد تا استاد پس از دیدن این نوشته شما پاسخ مناسب به شما بدهند.

بارها در گذشته هم نوشتم و خیلی های دیگر هم نوشته اند و استاد امیرفیض هم با استدلال های قوی آنرا ثابت کرده اند.

ایران بیش از سه هزار سال پادشاهی را پشت سر گذاشته است پادشاهی در خون این ملت سه هزار ساله عجین است در این شکی نیست. شما به رفتار و خلقیات هر ایرانی نگاه کنید انگار در درون خود یک «شاه» دارد. چه مردش و چه زنش.

پس از حضور اسلام تا همین سی سال پیش هم گرچه حکومت های اسلامی مانند صفویه در ایران ظاهر شد ولی باز هم مورد «شاه» فراموش نشده است. در دوران خلفای اموی و خلفای دیگر هم همین مسئله حضور دارد.

شیعه ایران «علی» را «شاه» خود میداند.

تنها از سی سال پیش به اینسو است که مثنی وابسته به خارجی هرچیزی را به «دموکراسی» وصل میکنند و حتا مدعی می شوند اگر «دموکراسی» برقرار شود جمهوری هم باشد به ۹۰ درصد آرزوهایشان رسیده اند» دیروز ویدیویی فرستادم که مردی نمیداند از چه چیزی صحبت میکند امیدوارم آنرا دیده باشید. ۴

در ضمن در گذشته نوشته شده ایران پس از اسلام به دو طریق میتواند هرم جمعیتی خود را اداره کند یا بایستی مرید آخوند و آیت الله باشد تا ولایت فقیه بصورت صغیر و محجور به او حاکم باشد یا بایستی در راس این هرم «شاه» باشد.

بنابراین ما نبایستی و نمی توانیم و امکان ندارد این راه «کودتای خزنده» که با رنگ بنفش و کلید مهر و امید جلو کشیده اندو درکنار آن باختن تمام اختیار اتمی و پس از آن احتمال تجزیه ایران وجود دارد خود را گول بزنیم.

تنها یک پادشاهی با برنامه مفصل آگاه سازی و با سواد کردن مردم در همه سطوح و سپس حرکت به سوی تمدن بزرگ می تواند راه گشا باشد.

من هم نا امید هستم و آینده را تباه و سیاه میبینم شما فکر میکنید گذاشتن امضا در کنار کسانی که در لیستی در شکایت در باره چارلی هبدو به من فرستادید تشکیل گروه منظم و مسجم در راه آزادی ایران است. زهی خیال باطل. در آن لیست کسانی بودند که در سی سال گذشته چندین بار وابستگی خود به بیگانه را ثابت کرده و مزد هم گرفته اند. شما گمان میکنید مثلا «اس او اس» یا «نهاد ملی» یا «مجاهد خلق» یا مثنی ره گم کرده مانند کومونیست های سیاهکل که هر دو سوی نامشان مسخره است یا مثلا «همبستگی ایرانیان» کاری از پیش خواهند برد.

پیشتر نوشته ام—این مبارزه «سرندارد» مبارزه ای که از کرم های پایین وول بخورد مبارزه درستی نیست مبارزه مانند کاری که ژنرال دوگول برای نجات فرانسه کرد در راس خود «سر» می خواهد. نه سری مانند فرخ نگهدار یا علیرضا نوریزاده یا حسین جهانشاهی یا مهرداد خوانساری..

امیدوارم بادقت بخوانید.

ح-ک

From: Parviz Haddadizadeh]

Sent: 24 January, 2015 12:36 AM

To: 'Javidiran (PeymanMeli)'

Subject: RE: Bi tafavoty dar Bayanate Aalahazrat (2)

جناب جاوید ایران گرامی، درود

با سپاس از تمام زحمت های جنابعالی.

در پایان مقاله استاد امیر فیض-حقوقدان "بی تفاوتی در بیانات علیحضرت"، احساس ایشان را به گونه ایی یافتم که از خلوص نیت خارج است! می فرمایند: **"هرروز نا امیدم - هرروز میسوزم ومینالم، هرروز خودراملامت میکنم - هرروز گله وانتقاد میکنم - هرروز نگران آینده ایشان وسلطنت هستم چراکه آینده را جزسیاهی وتباهی نمیبینم"**.

نگرانی ایشان فقط سلطنت و آنهم به پادشاهی "علیحضرت" است! ممکن است از ایشان سؤال بفرمایید چرا؟! مگر ایران، یعنی سلطنت و پادشاه؟! مگر می توان بدون کشور، سلطنت و پادشاه داشت؟! اگر ایرانیان نخواهند که سلطنت و پادشاه داشته باشند، بنظر ایشان آینده شان جز سیاهی و تباهی چیز دیگری نیست؟! مگر وظعیت امروز وطن از کجا سرچشمه گرفته است؟

نمی دانم چرا وقتیکه جناب امیر فیض - حقوقدان، بسیار منطقی به نقد و انتقاد می پردازند، اینگونه بجای نگرانی برای ایران و ایرانی، ایشان نگران چیز دیگری هستند؟! چطور است ایشان آینده را اینگونه می بینند؟! مگر نه آن است که جناب امیر فیض- حقوقدان سعی خود را بر آن داشته و دارند که "علیحضرت" را به مسئولیت قانونی خودشان واقف تا ایران و ایرانی را از این جهنم دره نجات دهند؟ پس حال چه شده است که ایشان فقط نگران سلطنت شده اند؟!

لطفاً به ایشان بفرمایید، ملی گریان بسیاری هستند که اینگونه آینده را نمیبینند و هر روز از روز دیگر برای مبارزه امیدوارتر میشوند، هر روز برای خاموش کردن آتش جهل رژیم آخوندی مشغول برنامه ریزی هستند، هر روز به خود و هدف براندازی این رژیم باورمندتر از گذشته می شوند، هر روز قدرت مبارزاتی خودشانرا در سنگر "نهضت همبستگی ملی برای نجات ایران و ایرانی" مستحکمز و آزادی و رهایی را در در انتهای این راه همچون روز می بینند.

امیدوارم جناب امیر فیض - حقوقدان، همچون هزاران هزار هموطن خود، در مرحله نخست به نجات ایران و ایرانی ببندیشند تا سلطنت و پادشاه، زیرا که این امید بسیار منطقی تر است. امروزه بیش از هر روز دیگر ایرانیان ملی گرا برای رسیدن به هدف خود که براندازی این رژیم است به افرادی همچون ایشان نیاز میرم دارند. مطمئن شوید که ایشان از این احساس رخوت بیرون آیند. دوستی یعنی همین و ایشان در کنار هموطنان خود هیچگاه تنها نخواهند بود. یأس و نا امیدی در جبهه مبارزاتی بسیار بی معناست و اثری معکوس بجا خواهد گذارد.

چون این نقد را با همسنگرانم شریک میشوم، لذا مقاله ایشان را در پیوست آورده ام.

با مهر

پرویز حدادی زاده

From: Javidiran (PeymanMeli)

Sent: Friday, January 23, 2015 1:04 PM

To: A Undisclosed Recipients (Javid)

Subject: Bi tafavoty dar Bayanate Aalahazrat (2)

بی تفاوتی در بیانات اعلیحضرت

(دنباله قسمت اول)

بدهکاری از قسمت اول